

بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه

بهرام جوکار^۱
فاطمه کمالی^۲

چکیده

هدف: با توجه به ارتباط معنویت با اخلاق، هدف این پژوهش، پیش‌بینی هیجانات اخلاقی بر اساس ابعاد معنویت بود. **روش:** روش این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. شرکت‌کنندگان پژوهش ۳۸۸ دانشجوی دختر (۲۲۸) و پسر (۱۶۰) مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز بودند که به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات، از دو مقیاس معنویت فراگیر میوز-بورک و مقیاس آمادگی شرم و گناه کوهن، وولف، پانترو و اینسکو استفاده شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ها از روش آلفای کرونباخ و برای احراز روایی مقیاسها از روش تحلیل عوامل استفاده شد. شواهد، مؤید پایایی و روایی مطلوب مقیاس‌ها بود. **یافته‌ها:** از میان ابعاد معنویت، بُعد پیوند با دیگران، پیش‌بینی‌کننده معنادار و منفی هیجان شرم بود. ابعاد تعالی، احساس معنا و هدفمندی و آرامش درونی، پیش‌بینی‌کننده‌های احساس شرم نبودند. در مورد احساس گناه، بُعد تعالی، پیوند با دیگران و احساس معنا و هدفمندی به صورت مثبت و معنادار و بُعد آرامش درونی به شکل منفی و معنادار، پیش‌بینی‌کننده‌های احساس گناه بودند. **نتیجه‌گیری:** در مجموع نتایج حاکی از آن بود که معنویت، احساس گناه را به صورت مثبت و احساس شرم را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند.

واژگان کلیدی: احساس شرم، احساس گناه، معنویت، دانشجویان.

دریافت مقاله: ۹۳/۰۴/۰۱؛ تصویب نهایی: ۹۳/۱۰/۰۸

۱. دکترای روان‌شناسی تربیتی؛ دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز.

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی؛ دبیر آموزش و پرورش فارس (نویسنده مسئول) / آدرس: شیراز، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و

روان‌شناسی / شماره: ۰۷۱۳۶۱۳۴۶۸۳ / Email: f_kamali_phy@yahoo.com

الف) مقدمه

یکی از عوامل تمایز افراد از یکدیگر، هیجانها می‌باشند. مفهوم‌سازی، تبیین و طبقه‌بندی هیجانها، از چالشهای جدی اندیشمندان و روان‌شناسان بوده است. در زمینه طبقه‌بندی هیجانها، امروزه هیجانها را از یک منظر، به خودآگاه (نظیر غرور)^۲، امید،^۳ شرم^۴ و گناه^۵ و ناخودآگاه (نظیر ترس،^۶ خشم^۷ و اضطراب^۸) و از منظر دیگر به هیجانها فردی و اجتماعی- اخلاقی تقسیم کرده‌اند.

از جمله هیجانها خودآگاه اخلاقی، دو هیجان شرم و گناه، در سالهای اخیر توجه محققان را به خود جلب کرده‌اند. شرم و گناه از هیجانها کلیدی انسان هستند و در سطوح فردی و ارتباطات اجتماعی کارکرد مهمی دارند. تجربه شرم و گناه به عنوان هیجانها اخلاقی، در شمار درونی‌ترین و خصوصی‌ترین تجارب هیجانی خودآگاه قرار می‌گیرند (تانجی و دیرینگ،^۹ ۲۰۰۴). شرم و گناه متضمن شکل‌گیری معیارهای کنش است؛ معیارهایی که بر اساس آنها امری غیر اخلاقی یا خطا در نظر گرفته می‌شود. مبنای این معیارها می‌تواند در درون یا بیرون از فرد باشد. در سالهای اخیر با طرح سازه معنویت در حوزه روان‌شناسی مثبت، توجه محققان و نظریه‌پردازان به معیارهای وجودی و متعالی در شکل‌گیری هیجانها اخلاقی جلب شده است (کریجان، کرامپ و کلو،^{۱۰} ۲۰۰۰). بر همین مبنای پژوهش حاضر در تلاش است تا ارتباط معنویت را به عنوان یکی از عمیق‌ترین تجارب انسانی با هیجانهای شرم و گناه بسنجد. در ادامه ضمن بررسی متغیرهای شرم و گناه و معنویت، چگونگی ارتباط این دوسازه بررسی شده است.

ب) معنویت و احساس شرم و گناه

احساس شرم و گناه از جمله هیجانها خودآگاه اخلاقی‌اند که در سالهای اخیر توجه روان‌شناسان و متخصصان را به خود اختصاص داده است. هیجانها خودآگاه، هیجاناتی‌اند که «خود» در آنها نقش محوری دارد و

1. Conscious
2. Pride
3. Hope
4. Shame
5. Guilt
6. Fear
7. Anger
8. Anxiety
9. Tangney and Dearing
10. Corrigan, Crump & Kloos

۵ بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه

با «خودارزشیابی» همراهند (تانجی و دیرینگ، ۲۰۰۲). هیجانهای خودآگاه در کسوت هیجاناتی تعریف شده‌اند که نوعی ارزیابی را در بطن خود به همراه دارند. بعلاوه احساس شرم و گناه از جمله هیجاناتی‌اند که در مواجهه با موقعیتها و تنگناهای اخلاقی برانگیخته می‌شوند؛ از این رو، به عنوان هیجان‌ات اخلاقی دسته‌بندی شده‌اند و در رابطه با امر اخلاقی تعریف می‌شوند (تانجی، ۱۹۹۵). اخلاقی بودن این هیجانها ناظر بر انواع متفاوت پردازش قضاوتی است که در مواجهه با موقعیتها و تنگناهای اخلاقی برانگیخته می‌شوند و خودآگاه بودن آنها بر نقش محوری «خود» و ماهیت «ارزشیابی» دلالت دارد. (تانجی و دیرینگ، ۲۰۰۲)

احساس گناه، هیجانی است که بعد از یک خطای اخلاقی در فرد به وجود می‌آید (بامیستر، استیل‌ول و هرتون، ۱۹۹۴). کسانی تجربه احساس گناه دارند که با رفتارشان به کسی آسیب‌زده باشند و رفتار خود را بد ادراک کنند (تانجی و دیرینگ، ۲۰۰۲). آنچه بعد از احساس گناه در فرد به وجود می‌آید، نوعی گرایش برای جبران و کم کردن خسارتهای ایجاد شده است (تانجی، میلر، فلیکر و بارلو، ۱۹۹۶). شرم، هیجان اخلاقی دیگری است که در کنار احساس گناه مطرح است. این هیجان، پس از یک خطای اخلاقی یا بعد از تظاهرات ناشایستگی بروز می‌کند (کلتنر و بوسول، ۱۹۹۶). در واقع؛ شرم بیانگر نوعی حالت شخصی است که نشان‌دهنده بی‌کفایتی، بد بودن و حس حقارت نسبت به دیگران است. (تانجی، واگنر و گرامزوف، ۱۹۹۲)

با وجود تحقیقات انجام شده در زمینه این هیجان‌ات، توافق چندانی در مورد تعریف، تفاوت و اندازه‌گیری آنها صورت نگرفته است (اسمیت، وبستر، پاروت و ایری، ۲۰۰۲؛ تانجی، ۱۹۹۶؛ تانجی و دیرینگ، ۲۰۰۲؛ کوهن، ولف، پانتر و اینسکو، ۲۰۱۱). در خصوص تمایز این دو هیجان، دو رویکرد عمده مطرح است که عبارتند از: تمایز خود در مقابل رفتار^۸ و تمایز خصوصی بودن در مقابل عمومی بودن^۹.

در رویکرد نخست، شرم و گناه را از طریق تمایز خود در مقابل رفتار متمایز می‌دانند (لويس، ۱۹۷۱؛ تانجی، ۱۹۹۶؛ تانجی و دیرینگ، ۲۰۰۲؛ تریسی و رویینز، ۲۰۰۴). در گناه تمرکز بر رفتار است؛ در حالی که در شرم، تمرکز و توجه بر خود

1. Tangney
2. Baumeister, Stillwell, & Heatherton
3. Tangney, Miller, Flicker & Barlow
4. Keltner & Buswell
5. Tangney, Wagner & Gramzow
6. Smith, Webster, Parrott & Eyre
7. Cohen, Wolf, Panter & Insko
8. Self-Behavior Distinction
9. Public-Private Distinction
10. Lewis
11. Tracy & Robins

۶ ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۴

است. طبق این دیدگاه، در احساس گناه، اسنادهای خاص، ناپایدار و درونی نسبت به یک خطای اخلاقی شکل می‌گیرد. (تریسی و رویینز، ۲۰۰۴)

در رویکرد دوم که ریشه در انسان‌شناسی دارد (بندیکت،^۱ ۱۹۶۶)، خطایی که به صورت عمومی افشا نشده، بیشتر احتمال دارد که منجر به احساس گناه شود؛ در حالی که خطایی که به طور عمومی آشکار شده، بیشتر احتمال دارد که منجر به احساس شرم شود (آسویل،^۲ ۱۹۵۵؛ کومبس، کمپل، جکسون و اسمیت،^۳ ۲۰۱۰؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۲). در این دیدگاه، احساس گناه با یک احساس خصوصی از انجام کار غلط یا رفتار کردن به صورتی که بر خلاف وجدان باشد، در ارتباط است؛ در حالی که شرم یک احساس منفی است که با خطاها و اشتباهاتی که در معرض عموم است، مرتبط است.

تریسی و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که احساس شرم با اسنادهای درونی،^۴ پایدار^۵ و غیر قابل کنترل^۶؛ در حالی که احساس گناه با اسنادهای درونی، غیر پایدار^۷ و قابل کنترل^۸ درباره شکست رابطه مثبت دارند. مؤلفه‌های اسناد شناختی شرم و گناه، همچنین با تمایز جانوف بولمان^۹ (۱۹۷۹؛ نقل از: تانجی و دیرینگ، ۲۰۰۴) بین خود سرزنشی شخصیتی و خود سرزنشی رفتاری همسو است. به لحاظ نظری، احساسات شرمگینانه (درباره خود) بیشتر وابسته به خودسرزنشی شخصیتی و احساسات گناهکارانه (درباره رفتار خاص) بیشتر به خودسرزنشی رفتاری وابسته است.

اگر چه تحقیقات پیشین، بخش اساسی تمایزگذاری میان شرم و احساس گناه را از منظر سازگاری و ناسازگاری این دو هیجان بررسی کرده بودند و در نهایت، شرم را به عنوان یک هیجان یکسره ناسازگار و احساس گناه را به عنوان یک هیجان سازگار تلقی کرده‌اند، نظریاتی نیز وجود دارند که با این نوع نتیجه‌گیری با دیدگاه انتقادی برخورد کرده‌اند. در این میان، کسانی همچون: اشنايدر (۱۹۷۷) و کافمن (۱۹۸۹) به جنبه‌های مثبت هیجان شرم نیز اشاره داشته‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Benedict
2. Ausubel
3. Combs, Campbell, Jackson & Smith
4. Internal
5. Stable
6. Uncontrollable
7. Unstable
8. Controllable
9. Janoff-Bulman

۷ بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه

بر اساس آنچه پیش تر آمد، شرم و گناه متضمن شکل‌گیری معیارهای کنش است؛ معیارهایی که بر اساس آن، امری غیر اخلاقی یا خطا در نظر گرفته شود. منبای این معیارها همان‌گونه که گفته شد، می‌تواند در درون یا بیرون از فرد باشد. در سالهای اخیر با طرح سازه معنویت در حوزه روان‌شناسی مثبت توجه محققان و نظریه‌پردازان به معیارهای وجودی و متعالی در شکل‌گیری هیجان‌ات اخلاقی جلب شده است (کریجان، کرامپ و کلوس، ۲۰۰۰). بر همین مبنا، پژوهش حاضر در تلاش است تا ارتباط معنویت را به عنوان یکی از عمیق‌ترین تجارب انسانی با هیجان‌های شرم و گناه بسنجد. همچنین در حوزه کارکرد معنویت، می‌توان یادآوری کرد که معنویت به عنوان یکی از نیروهای محافظ انسان در برابر دشواری‌ها و استرسها و پیچیدگی‌های عصر حاضر، بسیار مورد توجه قرار گرفته است و تبیین نوع تأثیرگذاری آن بر هیجان‌ات اخلاقی، می‌تواند دریچه نوینی را به روی پژوهندگان این حوزه بگشاید.

واتس^۱ (۲۰۰۶) اشاره می‌کند که مذهب/معنویت، در ما مجموعه هیجانی منحصر به فردی ایجاد می‌کند و البته بر بر تنظیم هیجان‌های خاص ما، به ویژه آنها که با امور اخلاقی در ارتباطند، تأثیر می‌گذارد.

به دیگر سخن؛ نقش معنویت [مذهب] در نظام هیجان‌های اخلاقی، نقشی دوگانه است. از یک سو موجب هیجان است و از دیگر سو، به دلیل ایجاد نظام معنایی، تنظیم‌کننده هیجان است. با این حال، بحث اخلاق و مذهب/معنویت، همواره در جایگاه پرسش و پژوهش قرار داشته (دوهرتی، ۱۹۹۹). به همین دلیل، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی ارتباط معنویت و هیجان‌ات اخلاقی شرم و گناه است.

معنویت از جمله سازه‌هایی است که تعریف آن همواره با چالش مواجه بوده و نظریه‌پردازان مختلف تعاریف متعددی از آن ارائه داده‌اند.

بر اساس دیدگاه میوز-بورک^۳ (۲۰۰۴)، معنویت به صورت نوعی هویت تعریف می‌شود که با هدف و معنا در زندگی، پیوند با دیگران، آرامش درونی و تعالی مرتبط است. در این تعریف، بُعد هدف و معنا در زندگی به متعهد شدن در فرایند مداوم جستجو، کشف، تفسیر و بحث درباره رویدادها، تجربه‌ها و ارتباطاتی که احساس هدفمندی و معنا را به وجود می‌آورد، اطلاق می‌شود. میوز-بورک همچنین اشاره می‌کند که بعد پیوند با دیگران شامل داشتن معرفت و احترام برای اتصال به همه چیز، شامل انسانها، حیوانات، گیاهان، زمین و عالم هستی است. این پیوستگی و اتصال به نوعی وحدت و یگانگی اشاره می‌کند که در ارتباط فرد با اجزای عالم وجود رخ می‌دهد.

1. Watts
2. Doherty
3. Muse-Burke

۸ ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۴

در تعریف معنویت، بُعد آرامش درونی به این معناست که فرد در جستجویی پویا برای یافتن آرامش قرار بگیرد. بر همین اساس، برای کسب آرامش درونی، فرد باید پرهیزگاری را جستجو، منعکس و به دقت بررسی کند. بُعد تعالی، همواره از عناصر اصلی تعریف معنویت بوده (پیدمونت، ۱۹۹۹) و حتی گاهی به سازه‌ای مستقل با عنوان «تعالی معنوی» بدل شده است. تعالی، توانایی کسب تجارب و رای تجربه‌های معمولی است و تلاش برای ارتقای ابعاد زندگی اجتماعی، عقلانی، هیجانی و فیزیکی را در برمی‌گیرد.

در حوزه بررسی ارتباط معنویت با شرم و گناه، رویکردی دوگانه اتخاذ شده است؛ گروهی رویکردی مثبت و سازگارانه را به ارتباط این دو داشته و عده‌ای بر آن بودند که ارتباط بین معنویت و شرم و گناه، ارتباطی منفی است و آن را جنبه تاریک معنویت نامیده‌اند (مورای و سیاروچی، ۲۰۰۷). آنها رابطه معنویت را با هیجانهای اخلاقی بررسی کرده‌اند. مورای و سیاروچی در پژوهش خود، ارتباط سطوح معنویت و دینداری را با شرم و گناه و بهزیستی روانی بررسی کرده، دریافته‌اند که هر چه تجربه ارتباط با خدا بیشتر متضمن جدایی از خدا باشد، شرم و گناه بیشتری تجربه خواهد شد. این تجربه معنوی منفی، عواطف منفی را افزایش می‌دهد. همچنین بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیر می‌گذارد.

از دیگر سو، لاتین، فانتین و کارولین (۲۰۰۲) اشاره کرده‌اند که دینداری با شرم و گناه رابطه دارد؛ به این گونه که مشارکت کنندگان مذهبی‌تر، بیشتر مستعد درگیری با شرم هستند. در عین حال، آنان اشاره کرده‌اند که افراد مذهبی به طور معمول هیجانهای بیشتری را گزارش می‌کنند. در این پژوهش، افراد مذهبی‌تر، احساس گناه بیشتری را گزارش نکردند. در پژوهش لاتین و همکاران، اشاره شده که نقش واسطه‌ای احساس شرم و احساس گناه در رابطه بین دینداری و بهداشت روانی شایسته توجه است.

در نهایت، نان (۲۰۰۷) طی پژوهشی، رابطه شرم و گناه اخلاقی را با شخصیت، ارزشها، معنویت و مذهب به پژوهش گذاشت. یافته‌های پژوهش وی نشان داد معنویت و مذهب درونی به شکل مثبت با احساس گناه سازگارانه در ارتباطند.

اما همان‌گونه که مطرح شد، ارتباط معنویت و هیجانهای اخلاقی در ایران تاکنون بررسی نشده است. این امر لزوم پژوهش در این زمینه را آشکار می‌سازد. بعلاوه، رویکردهای جدید در مسائل علوم انسانی، بر تأثیرپذیری یافته‌های علمی از زمینه (بافت) فرهنگی تأکید می‌کنند. درهم‌تنیدگی معارف و مسائل انسانی با فرهنگ، اهمیت

1. Piedmont

2. Murray & Ciarrochi

3. Luyten, Fantaïne, & Coruelen

۹ بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه

پژوهشهای جدید را در بافت و فرهنگ ایرانی آشکار می‌کنند. بر همین اساس، این پژوهش می‌تواند شواهد کافی علمی را برای شناسایی پیشایندهای هیجانهای شرم و گناه فراهم آورد، تمیز و تفکیک آن دو را در فرهنگ ایرانی به بررسی بگذارد و یافته‌های مربوط به هیجانهای شرم و گناه را در فرهنگی دینی نظیر جامعه ایران، با فرهنگ غرب مقایسه کند.

از دیگر سو، ساماندهی مطالعه‌ای درباره ارتباط بین معنویت - به عنوان سازه‌ای که در روان‌شناسی مثبت‌نگر مطرح نظر قرار گرفته است - با هیجانهای اخلاقی (شرم، گناه، حسد، غبطه، تعصب و غرور) دارای اهمیتی ویژه است. یافته‌های چنین مطالعه‌ای می‌تواند مشخص کند که هیجانهای شرم و گناه تا چه اندازه می‌توانند بر اساس معنویت پیش‌بینی شوند. بر این اساس، گامی هر چند کوچک در جهت فهم و درک عمیق‌تر هیجانهای شرم و گناه، که نخستین هیجانهای پیچیده آدمی بوده‌اند و در نظامهای تعلیم و تربیت تأثیر آگاهانه و ناآگاه بسیاری به جای می‌گذارند، برداشته خواهد شد.

بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

- ابعاد معنویت، احساس گناه را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند.
- ابعاد معنویت احساس شرم را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند.

ج) روش

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش حاضر همه دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی در دانشگاه شیراز بودند که در سال تحصیلی ۱۳۹۲ مشغول به تحصیل بودند.

از آنجا که تعداد کل دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز ۷۷۰۰ نفر بود، با توجه به فرمول کرجسی و مورگان و همچنین فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۶۷ نفر تعیین و با در نظر گرفتن پرسشنامه‌های مخدوش، حجم نمونه ۴۰۰ نفر انتخاب شد. شرکت کنندگان این پژوهش شامل ۴۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشکده‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی - اقتصاد و مدیریت، علوم تربیتی، مهندسی و علوم پایه بودند که به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این ترتیب که ابتدا از هر دانشکده چهار رشته به طور تصادفی انتخاب و از هر رشته یک کلاس به طور تصادفی برگزیده شد و کلیه دانشجویان حاضر در آن کلاس مورد ارزیابی قرار گرفتند. پس از

۱۰. فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۴

جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص کنار گذاشته شدند و در تحلیل مورد استفاده قرار نگرفتند. بر این اساس، تعداد آزمودنی‌ها به ۳۸۸ نفر دانشجوی دختر (۲۲۸) و پسر (۱۶۰) کاهش یافت.

د) ابزارهای پژوهش

۱. مقیاس معنویت فراگیر^۱

پرسشنامه معنویت فراگیر، توسط میوز- بورک (۲۰۰۴) تهیه شده است. این مقیاس وسیله‌ای برای سنجش معنویت افراد بدون توجه به دین و مذهب آنهاست.

این پرسشنامه شامل ۴۷ گویه و چهار زیرمقیاس است. ابعاد آن شامل هدفمندی و معنا^۲ در زندگی، پیوند با دیگران، آرامش درونی^۳ و تعالی^۴ است. هر یک از این ابعاد در مقیاس پنج گزینه‌ای لایکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. میوز- بورک (۲۰۰۴) در پژوهشی برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، بین تمام خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه همبستگی مثبت و معنادار گزارش کرد. در پژوهش وی، مقدار ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس هدفمندی و معنا در زندگی، پیوند با دیگران، آرامش درونی و تعالی، به ترتیب برابر ۰/۶۴، ۰/۸۰، ۰/۸۵، ۰/۸۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ گزارش شده است. همچنین، ضریب بازآزمایی به فاصله سه هفته برای هدفمندی و معنا در زندگی ۰/۷۶، پیوند با دیگران ۰/۸۵، آرامش درونی ۰/۷۴، تعالی ۰/۸۱ و کل پرسشنامه ۰/۸۶ بود.

علاوه بر این، روایی همگرایی این مقیاس با مقیاس بهزیستی معنوی الیسون محاسبه شده است و طبق نتایج به دست آمده از این مطالعه، همبستگی بین بهزیستی معنوی با پرسشنامه معنویت فراگیر ۰/۷۰ است.

در پژوهش حاضر برای بررسی ساختار عاملی مقیاس، با استفاده از نرم‌افزار آموست^۵ تحلیل عاملی تأییدی^۶ به روش برآورد بیشینه احتمال^۷ اجرا شد. چهار شکل تحلیل عاملی تأییدی (با یک عامل، دو عامل، سه عامل و چهار

-
1. Inclusive Spirituality Index (ISI)
 2. Purpose and Meaning in Life
 3. Interdependence with others
 4. Inner Peace
 5. Transcendence
 6. AMOS
 7. Confirmatory Factor Analysis
 8. Maximum Likelihood

۱۱ بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه

عامل) اجرا شد و بهترین الگو بر اساس شاخصهای برازش برگزیده شد. یافته‌ها گویای آن است که الگوی چهار عاملی نسبت به الگوهای دیگر برازش یافته‌تر است (جدول ۱). با اجرای تحلیل عاملی تأییدی، شاخصهای برازش الگو محاسبه شدند؛ برخی از شاخصهای محاسبه شده عبارت بودند از: شاخص برازندگی تطبیقی^۱، شاخص هنجار شده برازندگی^۲، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب^۳ و شاخص برازندگی نسبی^۴. درباره شاخصهای برازش، توجه به شاخصهایی معطوف بوده است که کمتر از حجم نمونه تأثیر می‌پذیرند. به علاوه، برای شاخص RMSEA معنادار نشدن آزمون، نشانگر کفایت تقریب الگو از جمعیت است. بار عاملی بیشتر از ۰/۴۰ به عنوان بار عاملی قابل قبول سؤالات تعیین شد. نتایج شاخصهای برازش در جدول ۱ آورده شده است.

علاوه بر این، به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضرایب حاصل برای تعالی، پیوند با دیگران، هدفمندی و معنا در زندگی و آرامش درونی به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۶۶، ۰/۷۱ و ۰/۷۹ به دست آمد.

جدول ۱: شاخص‌های برازش مقیاس معنویت فراگیر

شاخصها الگوها	Df	χ^2	df χ^2	RFI	NFI	GFI	AGFI	IFI	CFI	RMSEA
الگوی چهار	۲۶۹	۹۴۴/۳۷	۳/۵۱	۰/۷۸	۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۸۵	۰/۸۶	۰/۰۵
الگوی سه	۴۹۲	۱۱۹۲/۳۴	۲/۴۲	۰/۶۴	۰/۶۷	۰/۸۲	۰/۸۴	۰/۷۷	۰/۷۷	۰/۰۶
الگوی دو	۲۷۴	۸۴۹/۲۱۶	۳/۰۹	۰/۶۸	۰/۷۰	۰/۸۴	۰/۸۱	۰/۷۸	۰/۷۸	۰/۰۷۱
الگوی یک	۱۳۵	۵۱۱/۶۴	۳/۷۹	۰/۷۳	۰/۷۶	۰/۸۶	۰/۸۲	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۰۸

۲. مقیاس آمادگی شرم و گناه^۵

این مقیاس در سال ۲۰۱۱ توسط کوهن، ولف، پاتر و اینسکو تهیه شده است و میزان تمایل افراد به هیجان شرم و گناه را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه شامل ۱۶ گویه و هفت ارزش است، اما در پژوهش حاضر به

1. Comparative Fit Index (CFI)

2. Normed Fit Index (NFI)

3. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

4. Relative Fit Index (RFI)

5. GASP

۱۲ ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۴

مقیاس پنج ارزشی تبدیل و از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) درجه‌بندی شد که پاسخ‌دهنده باید پاسخ خود را بر اساس این مقیاس درجه‌بندی کند. آنان روایی کل مقیاس را به روش تحلیل عاملی تأییدی، همراه با ارائه شاخصهای برازش و پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ (۰/۶۰) محاسبه و مطلوب گزارش کردند.

این مقیاس دو بعد دارد که هر بُعد آن دارای دو عامل سطح دوم است. در این مقیاس، هشت سؤال به شرم و هشت سؤال به احساس گناه اختصاص یافته و در سطح دوم، هر عامل فرعی دارای چهار گویه است. در پژوهش حاضر نیز به منظور تعیین روایی این مقیاس از روش تحلیل عوامل استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس وجود دو عامل در گویه‌ها را تأیید کرد. ملاک استخراج عوامل شیب نمودار اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. از مجموع ۱۶ گویه، ۱۲ گویه مربوط به عامل گناه و چهار گویه مربوط به عامل شرم شد. مقدار ضریب KMO برابر ۰/۸۵ و ضریب کرویت بارلت برابر با ۱۳۶۰/۶۷۲ ($P < ۰/۰۰۱$) بود که نشان از کفایت نمونه‌گیری و ماتریس همبستگی گویه‌ها داشت.

در پژوهش حاضر به منظور تعیین پایایی مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب حاصله برای احساس گناه و احساس شرم به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۵۱ به دست آمد.

اختلاف ساختار عاملی مقیاس در جمعیت ایرانی، با ساختار نظری ارائه‌شده، باعث شد که در این پژوهش به جای ساختار چهار عاملی، از دو عامل استفاده شود. عامل نخست، احساس گناه، ۱۲ سؤال را در خود جای داد و عامل دوم، هیجان شرم، چهار سؤال به خود اختصاص داد. بر این اساس، سؤالهای فرعی خرده‌مقیاس «خودارزیابی منفی»، به عامل گناه منتقل شده است.

ه) یافته‌ها

به منظور بررسی اطلاعات توصیفی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش، مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل در جدول دو ارائه شده است.

جدول ۲: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

		کل گروه (n=۳۸۷)		گروه‌ها
کمترین نمره	بیشترین نمره	انحراف معیار	میانگین	شاخص متغیرها

بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه \diamond ۱۳

۴	۱۸	۲/۹۶	۹/۴۶	احساس شرم
۲۶	۶۰	۷/۳۳	۴۹/۱۸	احساس گناه
۶	۲۵	۳/۹۱	۱۸/۱۱	تعالی
۶	۳۰	۴/۱۹	۲۳/۶۱	احساس معنا و هدفمندی در زندگی
۱۵	۴۵	۵/۵۵	۳۴/۳۲	پیوند با دیگری
۱۱	۵۵	۷/۳۲	۳۸/۹۸	آرامش درونی
۵۲	۱۲۳	۱۴/۴۱	۹۳/۲۶	نمره کل معنویت

به منظور بررسی رابطه ساده بین متغیرهای پژوهش، همبستگی تمامی متغیرها محاسبه شد. در جدول سه ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در کل گروه آورده شده است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. تعالی	-						
۲. احساس معنا و هدفمندی	۰/۴۲**	-					
۳. پیوند با دیگری	۰/۴۹**	۰/۶۵**	-				
۴. آرامش درونی	۰/۳۸**	۰/۷۲**	۰/۵۷**	-			
۵. نمره کل معنویت	۰/۶۷**	۰/۸۵**	۰/۸۲**	۰/۸۷**	-		

۱۴ ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۴

	-	-۰/۱۷**	-۰/۱۴**	-۰/۱۹**	-۰/۱۷**	-۰/۰۴	۱.۶ احساس شرم	
	-	-۰/۰۳	۰/۳**	۰/۱۳**	۰/۳**	۰/۲۴**	۰/۳۶**	۱.۷ احساس گناه

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

همان گونه که یافته‌های جدول سه نشان می‌دهد، ضرایب همبستگی متغیرهای وابسته الگو (احساس شرم و گناه) با سایر متغیرها در اکثر موارد معنادار بوده است.

در نهایت، به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای پژوهش، از آزمون تی برای گروه‌های مستقل استفاده شد. جدول ۴، یافته‌های حاصل از مقایسه دختران و پسران را به نمایش می‌گذارد.

جدول ۴: مقایسه دانشجویان دختر و پسر بر اساس میانگین نمرات در متغیرهای پژوهش

سطح معناداری	مقدار تی	پسران (۱۶۰ نفر)		دختران (۲۲۸ نفر)		شاخص متغیرها
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۸	۰/۱۵	۳/۰۴	۹/۵۰	۲/۸۸	۹/۴۵	احساس شرم
۰/۰۰۰۱	۸/۶۹	۷/۶۱	۴۵/۸۲	۵/۹۳	۵۱/۸۰	احساس گناه
۰/۰۰۰۱	۴/۶۸	۴/۰۷	۱۷/۱۴	۳/۵۸	۱۹/۰۱	تعالی
۰/۰۲	۲/۲۵	۳/۷۶	۱۹/۳۴	۳/۶۱	۲۰/۲۱	احساس معنا و هدفمندی در زندگی
۰/۰۱	۲/۵۲	۴/۳۳	۲۲/۵۱	۳/۶۵	۲۳/۵۴	پیوند با دیگری
۰/۱۳	۱/۴۸	۵/۵۸	۳۱/۷۲	۶/۴۷	۳۲/۶۴	آرامش درونی
۰/۰۰۲	۳/۱۶	۱۴/۴۹	۹۰/۷۲	۱۴/۱۲	۹۵/۴۰	نمره کل معنویت

نتایج حاکی از آن است که میانگین نمرات دختران در ابعاد تعالی، پیوند با دیگران، احساس معنا و هدفمندی و احساس گناه به طور معناداری بالاتر از پسران است.

برای بررسی فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه «ابعاد معنویت، پیش‌بینی‌کننده احساس شرم و احساس گناه است»، معادله رگرسیون جداگانه احساس شرم و گناه بر روی ابعاد معنویت محاسبه شد. جدول پنج، حاکی از بررسی قدرت پیش‌بینی هر یک از ابعاد معنویت برای احساس شرم و احساس گناه است.

۱۵ بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه

جدول ۵: پیش‌بینی احساس شرم و احساس گناه بر اساس ابعاد معنویت

متغیر وابسته: احساس گناه					متغیر وابسته: احساس شرم					متغیر پیش‌بین
P<	t	β	R2	R	P<	t	β	R2	R	
۰/۰۰۰۱	۵/۱۵	۰/۲۷			N.S	۱/۵۷	۰/۰۹			تعالی
۰/۰۰۴	۲/۸۸	۰/۱۷			۰/۰۳	۲/۱۴	-۰/۱۴			پیوند با دیگران
۰/۰۰۱	۳/۴۲	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۴۴	N.S	۱/۴۶	-۰/۱۱	۰/۰۴	۰/۲۱	احساس معنا و هدفمندی
۰/۰۰۰۱	۴/۳۳	-۰/۲۷			N.S	۰/۳۲	-۰/۰۲			آرامش درونی

چنانچه نتایج جدول پنج نشان می‌دهد، بعد تعالی ($\beta=0/27, P<0/0001$)، پیوند با دیگران ($P<0/004$)، $\beta=0/17$ و احساس معنا و هدفمندی ($\beta=0/23, P<0/001$)، پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار احساس گناه، و آرامش درونی ($\beta=-0/27, P<0/0001$) پیش‌بینی کننده منفی و معنادار احساس گناه هستند. همچنین پیوند با دیگران ($\beta=-0/14, P<0/03$) پیش‌بینی کننده منفی و معنادار احساس شرم است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(و) بحث و نتیجه‌گیری

۱۶ ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۴

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش معنویت بر هیجانهای اخلاقی شرم و گناه بود. نتایج مرتبط با فرضیه اول پژوهش حاضر، آن بود که ابعاد تعالی، پیوند با دیگران و احساس معنا و هدفمندی، احساس گناه را به صورت مثبت و معنادار و بعد آرامش درونی احساس گناه را به شکل منفی و معنادار پیش‌بینی می‌کند.

در خصوص پیش‌بینی مثبت احساس گناه توسط بُعد تعالی، پیوند با دیگری و احساس معنا و هدفمندی که طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته دور از انتظار نبود، می‌توان گفت که معنویت ما را به سمت خودارزیابی رفتاری، اسنادهای ناپایدار و رفتار جبرانی سوق می‌دهد که این مؤلفه‌ها، با ویژگی‌های احساس گناه منطبقند. در تبیین این نتیجه می‌توان به یافته‌های هیل و کلارک^۱ (۲۰۱۳) اشاره کرد. آنان در پژوهش خود نشان می‌دهند افرادی که در قبال دیگران احساس مسئولیت بیشتری دارند، احساس گناه بیشتری را نیز تجربه می‌کنند. به دیگر سخن؛ با افزایش پیوند با دیگران، میزان مسئولیتی که فرد در قبال دیگران احساس می‌کند، افزایش می‌یابد و در نتیجه، احساس گناه بیشتری تجربه می‌شود. علاوه بر این، یافته مذکور را می‌توان از منظر فرهنگی تحلیل کرد. در فرهنگ جمع‌گرای جامعه ایران، یکی از ملاکهای مهم ارزیابی فرد، گروه و ارزشهای گروهی است. اهمیت ارزشهای گروهی نیز می‌تواند عامل مؤثر افزایش احساس مسئولیت فرد در قبال دیگران و در پی آن، افزایش احساس گناه بیشتر باشد.

وجود رابطه منفی بین آرامش درونی و احساس گناه در تقابل با پژوهشهای پیشین است. این تناقض به مفهوم آرامش درونی که در اینجا به کار رفته، مربوط می‌شود. مفهوم آرامش درونی که در این پرسشنامه سنجیده شده، یک مفهوم سکولار است و از عدم قطعیت و تجربه شادی و لذت صحبت می‌کند. ظاهراً آنچه در فرهنگ غربی در مورد مفهوم‌سازی آرامش درونی مطرح است، با جامعه ما متفاوت است. در آنجا عدم قطعیت و لذت، نماد آرامش محسوب می‌شود؛ یعنی آرامش را معادل حداکثر بهره‌مندی از لذایذ می‌داند. به عبارت دیگر؛ همه معانی‌ای که در ارتباط با مفهوم آرامش درونی به کار برده شده، شامل عدم قطعیت، تجربه لذت و شادی است (میوز-بورک، ۲۰۰۴). در فرهنگ و تعالیم دینی ما معنای آرامش درونی بار مثبتی ندارد. بنابر این، رابطه منفی آرامش درونی و احساس گناه، منطقی به نظر می‌رسد. از سوی دیگر باید به تمایز بین «آسایش» و «آرامش» اشاره کرد. در آسایش، فرد به دنبال کوشش و جستجوی راههای بهتر زیستن نیست و در واقع؛ حالتی ایستا را در پیش می‌گیرد. اما در مفهوم آرامش، تلاش و تکاپو برای رسیدن به هدف و مواجهه با چالشها نهفته است. به نظر می‌رسد در اینجا آرامش درونی، معادل آسایش در نظر گرفته شده است؛ یعنی آرامشی که در آنجا بار مثبت داشته، در جامعه ما بار منفی به خود گرفته است. اما آنچه در جامعه و فرهنگ ما از مفهوم آرامش ادراک می‌شود، تلاش و تکاپو برای رسیدن به اهداف متعالی

۱۷ **بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه**

و مواجهه با چالشهاست. در واقع؛ مفهوم آرامش درونی در تعالیم دینی ما مفهومی فراتر از لذت صرف است و آرامش واقعی را در برمی گیرد. در نهایت باید گفت که آنچه این پرسشنامه در مفهوم آرامش درونی در پی سنجش آن بوده، مفهوم آسایش است که متفاوت از آرامش درونی واقعی است. بنابر این، ارتباط منفی آن با احساس گناه قابل تبیین است.

نتایج مرتبط با فرضیه دوم پژوهش حاکی از آن بود که بُعد پیوند با دیگران، پیش‌بینی‌کننده معنادار و منفی هیجان شرم بود. ابعاد تعالی، احساس معنا و هدفمندی و آرامش درونی، پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار احساس شرم نبودند.

در زمینه تفاوت‌های موجود در الگوی پیش‌بینی‌کنندگی احساس شرم و گناه بر اساس ابعاد معنویت باید به تفاوت دو سازه شرم و گناه نگاهی دوباره داشت. شرم و گناه دو هیجان منفی (به جهت حالت روانی) و اخلاقی‌اند. این هیجانها از این جهت که در موقعیتهای دشوار و همزمان با حالات ناخوشایند ظهور و بروز می‌یابند، به هم شبیه می‌باشند. بر این مبنا، عامل تعیین‌کننده رابطه این دو هیجان، با سازه‌ای مثل معنویت (که ابعاد مثبت را در بر دارد)، نحوه ادراک فرد از موقعیتی است که در آن شرم و گناه سر بر می‌آورند. بنابر این، باید توجه داشت که نوع اسناد به ویژگی‌های فردی یا ویژگی‌ها و حالات موقعیتی، تعیین‌کننده آن است که فرد دچار احساس شرم شود یا احساس گناه. به دیگر سخن؛ در احساس گناه، تمرکز فرد بر رفتار است؛ اما در احساس شرم، فرد بر «خود» متمرکز می‌شود. بر همین مبنا، احساس گناه با اسنادهای درونی، بی‌ثبات و کنترل‌پذیر همراه است؛ در حالی که احساس شرم با اسنادهای درونی، کنترل‌ناپذیر و ثابت بروز می‌یابد (تاجی، میلر، فلیکر و بارلو، ۱۹۹۶). در نهایت، یادآور شدن این نکته ضروری است که فرد در اثر تجربه احساس گناه تلاش می‌کند با درس گرفتن از مآووقع، لغزشهای خود را جبران کند؛ این در حالی است که با تجربه شرم، فرد از خود آرمانی دور شده، به همین دلیل تلاش می‌کند برای کسب آسودگی، مسئولیت عمل خود را نپذیرد و به نوعی، صورت مسئله را حذف کند.

پیش‌بینی اولیه این گونه بود که ابعاد معنویت، احساس شرم را به صورت منفی پیش‌بینی کند. اگر چه بعضی از ضرایب معنادار نبود، پیش‌بینی‌ها در راستای فرضیه بود و این نتایج تأیید شد که معنویت باعث کاهش ارزیابی منفی از خود، کاهش به‌کار بردن اسنادهای پایدار و کنترل‌ناپذیر و همچنین کاهش واکنشهای توجیهی و اجتنابی می‌شود، که این فاکتورها جزء ویژگی‌های هیجان شرم هستند. در تبیین پیش‌بینی منفی احساس شرم توسط «پیوند با دیگری»، می‌توان به فرهنگ جمع‌گرای جامعه ایران اشاره کرد. در چنین فرهنگهایی، ارزشهای گروهی بر ارزشهای فردی اولویت دارند. از یک منظر، پیوند با دیگران، توجه به مفهوم «خود» در ارتباط با دیگران و جدا از آنها می‌تواند کمک‌کننده باشد. در جوامعی که «خود» به دیگران وابسته است و اخلاقی بودن و رفتار اخلاقی به شدت به اقتدار

۱۸ ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۴

گروهی و قومیتی بستگی دارد، اتصال به دیگران و گاه هم‌رنگی کردن با آنها ارزش تلقی می‌شود و بی‌اعتنایی به ارزشهای گروهی باعث مجازات فرد و ملامت‌انگیز است. بر همین اساس، این امکان وجود دارد که در جامعه‌ای با ارزشهای جمع‌گرا، بُعد پیوند با دیگری یک ارزش تلقی شود و هیجان شرم را به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی کند. بنابر این، در حضور این پیش‌بینی کننده قوی (پیوند با دیگری) واریانس سایر ابعاد کاهش می‌یابد.

همچنین، در خصوص پیش‌بینی نشدن احساس شرم به وسیله بعد هدفمندی و معنا می‌توان به توضیحات پیشین رجوع کرد؛ این عامل از جستجوی مداوم برای معنا، کشف و تفسیر رویدادهای معنابخش به زندگی و جستجوی احساس ارزش، امید و دلیلی برای زنده بودن تشکیل شده است. بر همین مبنای هیجان منفی شرم که عموماً ناامیدی فرد از شخصیت خود و خود آرمانی را به همراه دارد، نمی‌تواند با ویژگی‌های امید، احساس ارزشمندی و سرزندگی این بُعد مرتبط باشد. همچنین، آن‌گونه که کیم (۲۰۱۰) یادآوری کرده است، هیجان شرم با اسنادهای کنترل‌ناپذیر همراه است و به همین دلیل، نمی‌تواند با معنویت به عنوان پدیده‌ای بسیار انتزاعی که به افراد امکان کنترل و اطمینان می‌بخشد، در ارتباط باشد.

یافته‌های این بخش، با بخشی از پژوهش مورای و سیاروچی (۲۰۰۷) همسو است؛ در آن پژوهش نیز ابعاد مثبت معنویت، هیچ‌گونه رابطه‌ای با هیجان شرم نداشتند. بر این اساس، مورای و سیاروچی به نقش دوگانه معنویت در رابطه با این هیجان پرداخته‌اند. آنان بیان کرده‌اند که هرچند دینداری/معنویت می‌تواند باعث افزایش هیجان شرم شود، اما در دیگر سو با آثار مثبت خود، ابعاد ناسازگار هیجان شرم را خنثی (رقیق) می‌کند و بر همین مبنای رابطه‌ای خنثی به نمایش خواهد گذاشت. در عین حال، توجه به یافت فرهنگی در تبیین یافته‌های پژوهشی مبتنی بر اخلاقیات ضروری می‌نماید.

پیشنهادها

این پژوهش، تنها بخشی از پیشایندهای هیجانهای شرم و گناه را بررسی کرده است؛ از این رو پیشنهاد می‌شود در آینده پژوهشهای مبتنی بر پیامدها و پیشایندهای آنها سازمان یابد.

از آنجا که رشد هیجانهای شرم و گناه در طول زندگی اتفاق می‌افتد و نه در مقطعی خاص، و رشد اخلاق نیز به رشد این هیجانها وابسته است، پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آتی به بررسی آن از طریق پژوهش طولی پرداخته شود. همچنین استفاده از طرحهای پژوهشی آزمایشی برای بررسی این هیجانها توصیه می‌شود.

۱۹ بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه

همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آتی، هیجانهای شرم و گناه در محیط شغلی بررسی شوند؛ چرا که ایجاد مسئولیت در هر فضا، بر بار این هیجانها می‌افزاید.

در حوزه معنویت، ارتباط با دیگران و اهمیت دادن به مفهوم «دیگری» باید در رشد معنوی دانشجویان نهادینه شود و این، جز با آموزشهای مداوم و فرهنگ‌سازی از طریق برنامه‌هایی که در آن همدلی و همراهی با انسانها و پذیرفتن تفاوتها جای داشته باشد، میسر نخواهد شد.

۷ در پایان باید اشاره کرد که تحقیق حاضر از نوع همبستگی بوده است و به همین سبب، استنباط روابط علی از نتایج، بایستی با احتیاط صورت گیرد. همچنین جدید بودن حوزه مورد پژوهش در زمینه معنویت و حوزه شرم و گناه، نتیجه‌گیری قطعی پیرامون یافته‌ها را با دشواری همراه می‌سازد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- Ausubel, D.P. (1955). “**Relationships between Shame and Guilt in the Socializing Process**”. *Psychological Review*, 62: 378-390.
- Baumeister, R.F.; A.M. Stillwell & T.F. Heatherton (1994). “**Guilt: an Interpersonal Approach**”. *Psychological Bulletin*, 115: 243-267.
- Benedict, R. (1946). **The Chrysanthemum and the Sword: Patterns of Japanese Culture**. Boston, MA: Houghton Mifflin.
- Cohen, T.R.; S.T. Wolf, A.T. Panter & C.A. Insko (, 2011). “**Introducing the GASP Scale: a New Measure of Guilt and Shame Proneness**”. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100, 5(January 01): 947-966.
- Combs, D.J.Y.; G. Campbell, M. Jackson & R.H. Smith (2010). “**Exploring the Consequences of Humiliating a Moral Transgressor**”. *Basic and Applied Social Psychology*, 32: 128-143.
- Corrigan, J.A.; J.M. Kloos & E. Crump (2000). **Emotion and Religion: a Critical Appraisal and Annotated Bibliography**. USA: Greenwood Publishing.
- Doherty, W. J. (1999). **Morality and spirituality in therapy**. In: F. Walsh (Ed.). *Spiritual Resources in Family Therapy*. New York: W. W. Norton.
- Hale, M. A., & Clarck, D. A. (2013). **When Good People Have Bad Thoughts: Religiosity and the Emotional Regulation of Guilt-Inducing Intrusive Thoughts**. *Journal of Psychology and Theology*, 41 (1). 24-35.
- Keltner, D. & B.N. Buswell (1996). “**Embarrassment: Its Distinct Form and Appraisal Functions**”. *Psychological Bulletin*, 122: 250-270.
- Kim, Y. (2010). **An Understanding of Shame and Guilt: Psycho-Socio-Spiritual Meaning**. *Torch Trinity Journal*, 13. 218-232.
- Lewis, H.B. (1971). **Shame & Guilt in Neurosis**. New York, NY: International Universities Press.
- Luyten, P., Fontaine, R. J., & Corveleyn, J. (2002). **Does the test of self-conscious affect (TOSCA) measure maladaptive aspects of guilt and adaptive aspects of shame? An empirical investigation**. *Personality and Individual Differences*, 33, 1373-1387.
- Murray, K., & Ciarrochi, J. W. (2007). **The dark side of religion, spirituality and moral emotions: Shame, guilt, and negative religiosity as markers of life dissatisfaction**. *Journal of Pastoral Counseling*, 42, 22-41.
- Muse-Burke, J.L. (2004). **The Initial Development and Validation of the Inclusive Spirituality Index**. Poster Presented at the Annual Meeting of the American Psychological Association. Honolulu: Hawaii.
- Nan, L. M. (2007). **Moral Guilt and Shame: An Investigation of their associations with personality, Values, Spirituality, & Religiosity**. Unpublished Doctoral Dissertation, University of Illinois at Urbana-champaign, Urbana-champaign, USA.
- Piedmont, R.L. (1999). “**Does Spirituality Represent the Sixth Factor of**

- Personality? Spiritual Transcendence and the Five-Factor Model**". *Journal of Personality*, 67: 985-1013.
- Smith, R.H.; M.J. Webster, G.W. Parrot & H.L. Eyre (2002). **"The Role of Public Exposure in Moral and Non-Moral Shame and Guilt"**. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83 (1): 138-159.
 - Tangney, J. & R.L. Dearing (2002). **Shame and Guilt**. New York: Guilford Publications.
 - Tangney, J.P. & R.L. Dearing (2004). **Shame & Guilt**. New York, NY: The Guilford Press.
 - Tangney, J.P. (1995). **"Recent Advances in the Empirical Study of Shame and Guilt"**. *American Behavioral Scientist*, 38: 1132-1145.
 - Tangney, J.P. (1996). **"Conceptual and Methodological Issues in the Assessment of Shame and Guilt"**. *Behavior Research and Therapy*, 34: 241-754.
 - Tangney, J.P.; P.E. Wagner & R. Gramzow (1992). **"Proneness to Shame, Proneness to Guilt, and Psychopathology"**. *Journal of Abnormal Psychology*, 103: 469-478.
 - Tangney, J.P.; R.S. Miller, L. Flicker & D. Barlow (1996). **"Are Shame, Guilt, and Embarrassment Distinct Emotions?"**. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70: 1256-1269.
 - Tracy, J.L. & R.W. Robins (2004). **"Show your Pride: Evidence for a Discrete Emotion Expression"**. *Psychological Science*, 15: 194-197.
 - Tracy, L.J.; R.W. Robins, J.P. Tangney & J.J. Campos (Eds.) (2007). **The Self-Conscious Emotions; Theory and Research**. New York, NY: Guilford Press.
 - Watts, F. (2006). **"Emotional Regulation and Religion"**. In J. Gross (Ed.). *Handbook of Emotion Regulation*. New York: Guilford Press.